

متن پرسش

سلام خدمت استاد طاهرزاده: در یکی از گروه‌های تلگرامی بحثی صورت گرفت و عده‌ای اصرار داشتند که جمهوری اسلامی به دین آسیب زده و مردم را از دین جدا کرده! در پاسخ به این افراد مطلبی را نوشتم. نظر مبارک استاد را تقاضا می‌کنم. □ عنوان: «خطای جریان روشنفکری ضددینی و غربزده!» / جریان روشنفکری غرب پرست و غرب گدای کشور ما که تمام هستی و عمر شان یک سجده طولانی به غرب است، از فرط مستی و هوس شدیدی که نسبت به مدرنیته دارند، آن را پایان و کمال تاریخ می‌پندارند و می‌پندارند که تاریخ و تمدن غرب برای ابد باقی است و باید تمام بشریت در راه تجدد و توسعه گام بردارند و هیچ راه دیگری جز حضور در تاریخ تجدد و توسعه وجود ندارد! غافل از اینکه متفکران و فلاسفه هوشیار و بزرگ غربی، خیلی زودتر از این‌ها متوجه بحران‌ها و بی‌آیندگی تمدن غرب شدند و گزارش آن را به همگان اعلام کردند. ما هم طبق نظر به سنن جاری در هستی و بر طبق مبانی و قواعد قرآنی خودمان، به راحتی می‌توانیم آینده و افق ویران این تمدن مادی را از هم اکنون به نظاره بنشینیم و به صدای فرو ریختن و خرد شدن اسکلت و استخوان‌های این تمدن گوش بسپاریم. آنچه در ایران در حال وقوع است، نوعی پوست اندازی از یک دینداری کهنه به سوی یک دینداری ناب و اساسی تری است. بشر جدید می‌خواهد حقایق را با جان خودش احساس کند و با اگزیزتانس خودش با حقایق هم آغوش شود. به همان معنایی که آن مرد بزرگ تاریخی گفت: «در میخانه گشایید به رویم شب و روز / که من از مسجد و از مدرسه بیزار شدم» حقیقتاً مساجد و مدارس ما را در علوم حصولی و مفاهیم دینی متوقف می‌کنند جای بسیار خسته کننده ایست. ما نیاز به میخانه ای داریم که دائم در مستی و شعف حضور در محضر انوار متعالی عالم قدس باشیم و همه وجودمان با حقایق مأنوس باشد. جریان روشنفکری ضددینی مطلقاً شعور فهم این مطالب را ندارد. لذا تا ذره ای از مظاهر ضد سنت در جامعه می‌بیند با دمش گردو می‌شکند و با همه وجود قمر می‌دهد. غافل از اینکه افق دیگری در راه است.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! اگر دینداری به معنای کاتولیکی آن در صحنه باشد و صورت متافیزیکی باورها، دینداری به حساب آید؛ جمهوری اسلامی از آن دینداری که حضور انسان را در تاریخ و تاریخ خود و در اجتماع و در سیاست بدون حضور دینی می‌خواهد، جمهوری اسلامی از دینداری عبور کرده است. ولی اگر دینداری به همان معنای جمهوریت است در عین اسلامیت، این مائیم و مردمانی که

زیباترین حضور را تنها در چنین نظامی دنبال می‌کنند و مردمان در بستر دین الهی بنا دارند سرنوشت خود را در دست گیرند و در آینده‌ای حاضر شوند که به جای دوگانگی خواجه و برده، به یگانگی بین انسان‌ها ذیل حضور دینداری در تاریخ برسند. حضوری که رهبر آن می‌فرمایند: «اگر به من بگویند خدمتگزار، بهتر از این است که بگویند رهبر؛ رهبری مطرح نیست، خدمتگزاری مطرح است». موفق باشید